



## اموالیکہ از اہل بیت غصب شد

دنبالہ بحث جالبی کہ قسمتی از آنرا در شماره سوم  
مطالعہ فرمودید

شگفت آور اینکه زنیہای پیغمبر اکرم (ص) نیز ارث خود را  
مطالبہ کردند و (از طرف عائشہ و ابو بکر) با این جواب دندان شکن  
روبرو شدند (۱)

### صدقات رسول خدا «ص»

در میان یہودیہای مدینہ مردی بود بنام «مخیر یق» یا «مخریق»  
از طایفہ بنی النضیر (۲) یا از بنی قینقاع (۳) مرد عالم و دانشمند فاضلی  
بود بسیار منصف و با وجدان و ثروتمند و ناطق زبردستی بود .

در سال اول ہجرت با چند نفر از یہودیہای بنی النضیر و بنی قریظہ و  
بنی قینقاع بعنوان سفیری بحضور رسول خدا (ص) شرفیاب شدند پس از  
گفتگوہای زیاد و مباحثات طولانی بنا بر صلح گذاشتند و عہدنامہ نوشتند

(۱) صحیح مسلم ج ۵ ص ۱۵۳ موطأ ج ۲ ص ۲۵۶ فتوح البلدان ص ۴۲

معجم البلدان ج ۴ کلمہ فدک بدایہ و نہایہ ج ۴ ص ۲۰۳ .

(۲) فتوح البلدان ص ۲۷ (۳) ناسخ التواریخ

وبرگشتند رئیس قبیله بنی قریظه بحکم ضرورت زبان بسته و در کنجی نشسته و کار با کار مسلمانان نداشت و رئیس قبیله بنی نضیر و بنی قینقاع (حی بن اخطب) گفت من با اینکه یقین دارم که این مرد همان پیغمبر است که تورا خبر داده است و لکن هر گز از دشمنی او دست باز ندارم و کینه و عداوتش را از خود دور نسازم و راضی نمی‌شوم که نبوت از خاندان اسحاق بخاندان اسماعیل منتقل گردد.

مخیر بق گفت : این همان پیغمبر است که دانسته‌اید. خویشان را گرفتار نسازید و کفر را برایمان اختیار نکنید لکن قوم او نپذیرفتند ولی او تنها خودش ایمان آورده مسلمان شد (۱) و در جنگ بدر شهید شد و وصیت نمود که باغهای او مال حضرت رسول الله (ص) باشد و آن باغها تحت تصرف رسول خدا آمد و آنحضرت نیز وقف فرمودند.

نام باغهای وی بدینقرار است : دلال ، عواف (اعواف) صافیه ، برقه ، میثب ، حسناء (حسنی) مشرفه ام ابراهیم .

این باغها بنام صدقات رسول خدا معروفست و علماء اختلاف دارند که آیا این باغها جزء اموال بنی النضیر یا جزء اموال بنی قینقاع است. علی کل حال وقف خاص بود (بعنوان وقف بر اولاد یا وقف باطامه (ع) دروسائل ج ۳ در کتاب وقف نقل نموده از شیخ طوسی و شیخ صدوق (ره) که در روایت وارد است بر اینکه این باغها وقف بود و رسول خدا (ص) از عوائد آن به پیمانان و رهگذرها خرج مینمود بعد از رحلت آنحضرت عباس در آن موضوع باطامه (ع) مخاصمه نمود علی (ع) شهادت داد

۱۰ « فتوح البلدان و تاریخ رسول ص ۴۵ ، الاصابه ج ۳ ، سیره ابن هشام ج ۳

که آن باغها وقف است بقاطمه (ع) و در بحارج ۱۰ از کافی از حضرت رضا (ع) نقل کرده که ابن باغها وقف بود رسول خدا (ص) باندازه مخارج مهمان بر میداشت بعد از رحلت آنحضرت عباس با فاطمه درین باره مخاصمه نمود علی (ع) گواهی داد بر اینکه آنها وقف بر فاطمه است .

سمهودی در وفاء الوفاء ج ۲ ص ۱۵۲ - ۱۶۲ درین باره سخن گفته و اضافه میکند که فاطمه (ع) از ابو بکر آنها را مطالبه نمود زیرا که وقف بود و ورثه واقف سزاوارتر نداشتند از دیگران .

ابو بکر این باغها را نیز تصرف کرد و کارگران و نمایندگان فاطمه (ع) را بیرون نمود در نظر خود فاتح شده بود و بر خود میباید و مینازید فاطمه (ع) هم گرفته تر و ناراحت تر شده يك غم بهزاران غمش علاوه گردید .

فاطمه (ع) لازم و واجب دانست که از حق خود دفاع نماید و ساکت نشیند اینست که بسراغ ابو بکر رفت و علت این عمل را سؤال کرد و شدیداً اعتراض نمود که چرا ؟ و بچه دلیل ؟ صدقات رسول خدا را که از آن من بود تصرف کردی ؟ مگر وقف بر اولاد را میتوان از اولاد واقف گرفت ؟ (۱)

ابو بکر در جواب آنحضرت چند دلیل ذکر کرده است :

۱- حدیث نحن معاشر الانبیاء لا نورث که سابقاً در شماره سوم گذشت و

اشکالاتش را بیان کردیم .

۲- ابو بکر گفت «لست بالذی اقسام من ذلک شیئا ولست تارکما

«۱» کنز العمال ج ۳ ص ۱۲۹ و ج ۴ ص ۱۵۲ ابن ابی الحدید ج ۴ ص ۱۱۱-۱۱۴

وفاء الوفاء ج ۲ ص ۱۵۷ سیره حلبی ج ۳ ص ۳۹۸ طبقات ابن سعد ج ۲ ص ۳۱۶ صحیح مسلم ج ۵ ص ۱۵۵ .

شیئا کان رسول الله (ص) يعمل به فیهما الاعملته وانی اخی ان ترک امره ان زیغ» یعنی چیزی از اینها را تقسیم نخواهم کرد و چیزی را که رسول خدا بآنها عمل میکرد ترک نخواهم نمود میترسم که اگر رویه او را ترک نمایم از راه راست کج شوم.

۳ - و گفت : قد سمعت رسول الله (ص) یقول : انما هی

طعمه اطعمنیہا الله فاذا مت عادت الی المسلمین فان اتهمتني فسلی المسلمین: یعنی بتحقیق شنیدم که رسول خدا میفرمود همانا آنها طعمه‌ای است که خدا بمن عطا فرموده و وقتی که من مردم بر میگردد بسوی مسلمانان اگر مرا متهم میدانی از مسلمانان بپرس .

این جمله‌ها از خلیفه نقل شده است و لکن ارتباط آنها با سخنان حضرت فاطمه (ع) چیست؟ موضوع حدیث ارث را با وقف چه مناسبت است و حدیث تقسیم دروقف خاص یعنی چه؟ برگشت وقف مال خاص از اموال مخیر یق بمسلمانان چرا؟

خود خلیفه میدانند که این حرفها ربطی بموضوع ندارد و لکن اگر فرض کردیم که املاک وقف پیش از وقف جزء فیء بوده و رسول خدا صلاح دیده است که این چند قطعه وقف باشد مگر وقف دوباره بر میگردد؟ رسول خدا (ص) اگر از فیء چیزی را وقف نمود یا بکسی بخشید جایز است که برگردانند؟

اگر فرض کردیم که خلیفه دروقف حق تصرف دارد و لکن آیادر وقف خاص با بودن موقوف علیهم نیز چنین حقی را دارد؟

اگر قبول کردیم که وقف خاص نبوده است و خلیفه حقد خالت داشته است و اگر این باغها را بفاطمه میدادند خلاف شرع می شد پس

چرا عمر در زمان خلافت خود عمه آنها را با میر المؤمنین (ع) برگردانید (۱) باید از خلیفه پرسید که آیا فاطمه (ع) را دروغگو میدانست؟ فاطمه (ع) بنص آیه تطهیر پاک نبود؟ سخنان در بار پیغمبر اکرم (ص) را در طهارت و تقوی و فضیلت فاطمه (ع) نشنیده بود؟ چرا احتمالاً شنیده بود و لکن ملک عقیم است.

ما قسمتی از این اشکالات را مفصلتر در مکاتیب نوشته ایم.

### اشکال:

اگر این باغها وقف خاص رسول خدا (ص) بود پس وقفنامه فاطمه علیها السلام درباره این باغها چیست؟ در وسائل ج ۲ کتاب وقف باب دوم از حضرت صادق (ع) و در باب ۱۰ و کافی ج ۷ ص ۴۸ طبع جدید از حضرت باقر (ع) و بحار ج ۱۰ متن وقفنامه را چنین نقل کرده است: «بسم الله الرحمن الرحيم هذا ما اوصت به فاطمة بنت محمد رسول الله (ص) اوصت بجوانبها السبعة: العواف والدلال والبرقة والميثب والحسنى و الصافية و مالأم ابراهيم الى على بن ابيطالب فان مضى على فالى الحسن فان مضى فالى الحسين فان مضى فالى الاكبر من ولدى شهد الله على ذلك و المقداد بن الاسود والزبير بن العوام و كتب على بن ابيطالب»

ترجمه - بسم الله الرحمن الرحيم این آنچه زیست که وصیت کرده است بآن فاطمه (ع) دختر محمد رسول خدا (ص) وصیت نمود بباغهای هفتگانه: عواف . دلال برقه . میثب . حسنی . صافیة . آنچه که متعاق

۱۰، وفاء الوفاء ج ۲ ص ۱۵۹-۱۵۸ ابن ابی الحدید ج ۴ ص ۱۱۴ صحیح

مسلم ج ۵ ص ۱۵۵ در المنثور ج ۶ ص ۱۹۳ ترتیب السند ج ۲ ص ۱۲۴

کنز العمال ج ۴ ص ۵۴ بحار ج ۸ ص ۱۰۶.

است بمادر ابراهیم (ماریه قبطیه) بعلی بن ابیطالب پس اگر علی (ع) رحلت کرد بحسن پس اگر او رفت پس بحسین ، اگر او هم در گذشت پس ببزرگترین فرزندم . خدا گواه است ومقداد بن اسود و زبیر بن عوام . و نوشته است علی بن ابیطالب .

علی بن ابیطالب .

### پاسخ :

این نامه صریح دروقف کردن نیست بلکه احتمال میرود که مراد انتقال تولیت وقف باشد یا اینکه تعیین موقوف علیهم باشد علی کل حال منافات با مطلب پیش ندارد

ناتمام

### (شهو ترانی زما مداران سیامی)

در مدت دوازده ماه ملک سعود با ۱۰۰ تن ازدوشیزگان عرب ازدواج کرد و خشنودی و رضایت پدران آنها را که از سرشناسان و سران بانفوذ قبائل بودند فراهم ساخت از طرفی چون طبق قوانین قرآن نامبرده نمیتوانست بیش از چهار زن رسمی داشته باشد هر بار قبل از ازدواج تازه یکی از همسران قدیمی خود را طلاق میداد ولی فوراً ماهیانه ای بمبلغ ۲۵۰۰ دلار برای همسر مطلقه معین میکرد ۱۱۱

### اطلاعات ۱۰۴۱۰

مدارف جعفری - این دلارها از کیست و کی چگونه خرج میکند؟